

هو العليم

تأثير روح ولایت در جمادات

حضرت علامه آية الله حاج سيد محمد حسين حسيني طهراني



حضرت صادق علیه السلام می فرمودند: سوگند به خدا در سوگ جدّم حسین آسمان گریست، مرغ ها گریستند، حیوانات گریستند، وحوش بیابان گریستند، فرشتگان گریستند.

علامه آیه الله حاج سیّد محمدحسین حسینی طهرانی (قدس سره) در کتاب نفیس امام شناسی در خصوص اینکه روح ولایت در جمادات نیز اثر می کند، چنین می نویسد: مرحوم مجلسی نقل می کند از حضرت صادق علیه السلام که می فرمود: سوگند به خدا در سوگ جدّم حسین آسمان گریست، مرغ ها گریستند، حیوانات گریستند، وحوش بیابان گریستند، فرشتگان گریستند. در سوگ جدّم حسین تا چهل روز آسمان خون گریست، زمین گریست، خورشید گریست. و گریه آسمان این بود که خورشید در سرخی طلوع می کرد و در سرخی غروب می نمود.

ابن شهر آشوب گوید: چون بنی اسد در روز دوازدهم محرّم آمدند که آن اجساد مطهره را دفن کنند، مرغان سفیدی را گرداگرد آن بدن های نازنین مشاهده نمودند.

مجلسی رضوان الله علیه از بعضی از مؤلفات اصحاب روایت می کند که: رُوی عن طریق أهل البيت: أنّهُ لَمَّا اسْتَشْهَدَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَقِيَّ فِي كَرْبَلَا صَرِيحًا، وَ دَمُهُ عَلَى الْأَرْضِ مَسْفُوحًا، وَإِذَا بَطَائِرٌ أبيضُ قَدِ اتَى وَ تَمَسَّحَ بِدَمِهِ؛ وَ جَاءَ وَ الدَّمُ يَقَطُرُ مِنْهُ. فَرَأَى طُيُورًا تَحْتَ الظِّلَالِ، عَلَى الغُصُونِ وَ الأشْجَارِ؛ وَ كُلٌّ مِنْهُم يَذْكُرُ الْحَبَّ وَ العَلْفَ وَ المَاءَ.

فَقَالَ لَهُمُ ذَلِكَ الطَّيْرُ الْمُتَلَطِّخُ بِالدَّمِ: يَا وَيْلَكُمْ! أَتَشْتَعْلُونَ بِالمَلَاهِي، وَ ذِكْرِ الدُّنْيَا وَ المَنَاهِي، وَ الْحُسَيْنِ فِي أَرْضِ كَرْبَلَا فِي هَذَا الْحَرِّ مُلْقَى عَلَى الرَّمْضَاءِ ظَامِيٌّ مَذْبُوحٌ وَ دَمُهُ مَسْفُوحٌ فَعَادَتِ الطُّيُورُ، كُلٌّ مِنْهُم قاصِدًا كَرْبَلَا؛ فَرَأَوْا سَيِّدَنَا الْحُسَيْنَ مُلْقَى فِي الْأَرْضِ جُثَّةً بِلَا رَأْسٍ، وَ لَا غُسْلٍ، وَ لَا كَفْنٍ، قَدِ سَفَّتَ عَلَيْهِ السَّوَابِي، وَ بَدَنُهُ مَرضُوضٌ، قَدِ هَسَمَتَهُ الخَيْلُ بِحَوَافِرِهَا؛ زُورُهُ وَ حَوْشُ القِفَارِ، وَ نَدْبَتُهُ جُنَّ السَّهُولِ وَ الأوعارِ قَدِ أَضَاءَ التُّرَابُ مِنْ أُنْوَارِهِ، وَ أَزْهَرَ الجَوْثُ مِنْ أَزْهَارِهِ. فَلَمَّا رَأَتْهُ الطُّيُورُ، تَصَاحَيْنَ، وَ أَعْلَنَ بالبكاءِ وَ الثُّبُورِ وَ تَوَاقَعْنَ عَلَى دَمِهِ، يَتَمَرَّغْنَ فِيهِ، وَ طَارَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُم إِلَى نَاحِيَةٍ يَعْلَمُ أَهْلَهَا عَن قَتْلِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ.

«از طریق أهل بیت روایت شده است که چون حضرت حسین بن علی علیه السلام به شرف شهادت نائل شدند، بدن آن حضرت همین طور روی زمین کربلا افتاده بود و خون آن حضرت بر روی زمین ریخته و مشهود بود؛ تا آنکه یک مرغ پرندۀ سفید رنگی آمد و بدن خود را به خون آن حضرت مالید و در حالی که خون قطره قطره از بال های او می چکید به پرواز درآمد تا رسید به جایی که دید پرندگانی در زیر سایه ها، بر روی درخت ها و شاخه ها نغمه سرائی می کنند و با یکدیگر سخن از دانه و علف و آب دارند.

این مرغ به خون آلوده به آنها گفت: وای بر شما! آیا شما در این مکان خوش آب و هوا سرگرم خود

هستید و از دنیا و لذات آن یاد می‌کنید، و حسین در زمین کربلا در این هوای گرم به روی ریگ‌ها و زمین تفته افتاده، او را تشنه کام سر بریدند، و خون او را به روی زمین ریختند؟

آن پرندگان همگی محل‌های خوش آب و هوای خود را ترک گفته و به سوی کربلا به پرواز درآمدند؛ و دیدند که آقای ما حسین علیه السلام بروی زمین افتاده جسمی است بدون سر، نه کسی او را غسل داده، و نه کفن نموده، بادهای بیابان بر آن بدن وزیده و گرد و غبار صحرا را بر آن پیکر نشانده، بدن در زیر سمّ ستوران درهم شکسته و خورد شده و استخوان‌ها کوبیده شده است.

زوارش حیوانات وحشی بیابان‌ها هستند که در اطراف او گرد آمده‌اند، و زاری‌کنندگان بر او طایفه جنّ که در بیابان‌های هموار و در گردنه‌ها و درّه‌ها زندگی می‌کنند اما خاک تیره از نور آن حضرت روشن و منور شده، و جو و فضا از اشراقات او تابان و درخشان گردیده است.

چون آن پرندگان این منظره عجیب را دیدند، صداهای خود را به صیحه و فغان بلند کردند، و آشکارا گریه و زاری سر دادند و خود را به خون‌های آن حضرت مالیده و در آن خون غلظه می‌خوردند، و سپس همه به پرواز درآمدند، و هر یک از آنان آهنگ ناحیه‌ای را نموده که اهل آن را از شهادت حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام با خبر کنند.

مضامین زیارت سید الشهداء علیه السلام در اول رجب

و در زیارتنامه آن حضرت در زیارت اول رجب می‌خوانیم: یا ابا عبدالله، اشهدُ لَقَدْ اَقْشَعْتَ لِدِمَائِكُمْ أَظْلَةَ الْعَرْشِ مَعَ أَظْلَةِ الْخَلَائِقِ وَ بَكَتُمْ السَّمَاءَ وَالْأَرْضُ وَ سَكَانُ الْجَنَانِ وَ الْبَرُّ وَ الْبَحْرُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ عَدَدَ مَا فِي عِلْمِ اللَّهِ، لِيَبْكَ دَاعِيَ اللَّهِ، إِنْ كَانَ لَمْ يَبْكْ بَدَنِي عِنْدَ اسْتِغَاثَتِكَ، وَ لِسَانِي عِنْدَ اسْتِنصَارِكَ، فَقَدْ اجَابَكَ قَلْبِي وَ سَمِعِي وَ بَصْرِي، سُبْحَانَ رَبَّنَا، أَنْ كَانَ وَعَدُ رَبَّنَا لِمَفْعُولًا.

«ای اباعبدالله! من به شهادت سوگند یاد می‌کنم که به حقیقت و واقعیت، برای خون‌های پاک شما، طبقات ساکنین عرش خدا با طبقات آفریده شدگان بلرزه درآمدند و آسمان و زمین بر شما گریست، و ساکنین بهشت‌ها و خشکی‌ها و دریاها بگریستند.

درد خدا بر تو باد، درودی فراوان به اندازه وسعت و گنجایش تعداد آنچه در علم خدا می‌گنجد. بله! قبول کردم و پذیرفتم، ای دعوت‌کننده براه خدا! دعوی تو را لبیک گفتم، و ندای تو را با جان و دل پذیرفتم! اگر در آن روز بدنی نداشتم تا با آن استغاثه تو را اجابت کنم، و زبانی نداشتم تا استنصار تو را پذیرا شوم؛ لیکن امروز جان من و روح من و دل من و گوش من و چشم من استغاثه‌ات را پاسخ می‌گویم، و ندایت را می‌پذیرد و اجابت می‌کند. پاک و منزّه است پروردگار ما، و حَقّاً که میعاد پروردگار ما خواهد رسید بدین وعده‌گر جان‌فشانم رواست.»